

تحلیل عوامل مؤثر بر کاهش بهره‌وری فعالیت کشاورزی مناطق روستایی (مورد مطالعه: بخش کاکوند شهرستان دلفان)

فردوس امیدپور^۱، عبدالرضا رحمانی فضلی^۲، فرهاد عزیزپور^{۳*}

۱- دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

۳- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۲/۱۳

تأیید نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۹/۲۲

چکیده

امروزه بهره‌وری یک عامل مهم در شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهاست که می‌تواند سبب تلاش بیشتر و ایجاد انگیزه در جهت نوآوری و سرمایه‌گذاری شود. وضعیت کشاورزی کشور نشان می‌دهد که این فعالیت در اکثریت مناطق، فاقد بهره‌وری لازم است که این مشکل علاوه بر این که ریشه در وابستگی کشور به درآمدهای نفتی، بی‌توجهی به پیوند بخش کشاورزی با صنعت در سیاست‌گذاری‌های کلی و مسائل کلان دیگری دارد هم‌چنین وابسته به شرایط و ویژگی‌های خاص محلی مناطق روستایی است که پژوهش حاضر نیز در این راستا، با رویکرد کیفی- هدفمند از طریق مصاحبه ۷۱ کشاورز و ۱۵ نفر از متخصصان و خبرگان محلی با منطق اشباع نظری در پی شناسایی سه دسته عوامل، مسائل و پیامدهای کاهش بهره‌وری کشاورزی در مناطق روستایی مورد مطالعه است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عواملی از قبیل ساختار ارضی نامناسب، ضعف سرمایه انسانی و اجتماعی، عقب‌ماندگی در مکانیزاسیون، ضعف مدیریت مهار آب و کمبود زیرساخت‌های توزیع و انبارداری از مقوله‌های اصلی اثرگذار بر کاهش بهره‌وری فعالیت کشاورزی هستند که ریشه در مسائلی از جمله عدم وجود برنامه جامع توسعه کشاورزی، نبود توجه جدی به بحث آموزش و ترویج در کشاورزی، عدم توجه کافی به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشاورزی، بی‌توجهی به الگوی توسعه مکانیزاسیون در کشاورزی، نبود برنامه اقتصادی در راستای توانمندی محیطی مناطق، فقدان سیستم‌های منظم و هوشمند کاشت و داشت و برداشت دارد. این شرایط بخش کشاورزی در نواحی روستایی را با پیامدهایی چون تغییر کاربری اراضی، خروج بهره‌برداران کشاورزی از فعالیت‌های تولیدی، مهاجرت جوانان روستایی، کاهش امنیت غذایی و تغییر در ساختار اشتغال به نفع اشتغال‌های کاذب روبرو ساخته است.

واژه‌های کلیدی: بهره‌وری، توسعه کشاورزی، گردند ثنوری.

مقدمه

رشد فزاینده جمعیت و محدودیت منابع تولید کشاورزی همواره، از مهم‌ترین نگرانی‌های جهانی بشر جهت تأمین امنیت غذایی و تولید حداقل کالاهای اساسی است که راهکارهای مختلفی نیز در طول قرن‌های گذشته تاکنون برای کاهش این دغدغه از الگوهای افزایش سطح زیر کشت و کشف منابع و سرزمین‌های ناشناخته تا انواع روش‌های ترویج و تحقیق و آموزش کشاورزان و همچنین نشر نهاده‌های پربازده و غیره در سطح کلان و جهانی اندیشیده شده است اما با این وجود این مسئله به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه همچنان به قوت خود باقی است و چه‌بسا بسیار نگران‌کننده‌تر نیز شده است. چراکه امروزه چالش‌های روزافزونی از جمله تغییرات آب و هوایی و خشک‌سالی‌های پی‌درپی، فشارهای زیست‌محیطی، افزایش هزینه‌های تولید و ... در سطح جهانی رودرروی بخش کشاورزی است. (مگی، ۲۰۰۷؛ یانگ، ۲۰۱۲) که اگر شرایط و وضعیت کشورهای در حال توسعه را نیز مزید بر علت کنیم خواهیم دید که اهمیت توجه به این مسئله بیش از پیش ضرورت می‌یابد. چون روستاهایی که اکثریت کشاورزان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه در آن‌ها زندگی می‌کنند به لحاظ همه نوع امکانات و شرایط توسعه‌ای از مناطق شهری ضعیف‌تر هستند (دانشنامه کارآفرینی، ۱۳۸۸) بنابراین باوجود اهمیت بخش کشاورزی به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی غذای جامعه و همچنین پایه بودن این فعالیت اما همچنان این بخش صنعت است که عمده توجهات، معطوف به آن است و کشاورزی هنوز به مثابه‌ی شیوه‌ی زندگی سنتی مطرح است و نه به‌عنوان کسب و کاری که می‌تواند قابلیت رشد و توسعه داشته باشد. (دیوید کی، ۲۰۱۳). لذا با توجه به وضعیت

یاد شده توجه به این مسئله جدی‌تر می‌شود که به به کارگیری چه الگویی با وجود موج نابسامانی‌هایی چون فقر، نابرابری و مهاجرت که امروزه گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران است می‌تواند به کاهش مشکلات مذکور کمک نماید. در همین ارتباط عده‌ای معتقدند که کشاورزی ایران بسیار بیمار است و این بیماری در آینده استقلال سیاسی و اقتصادی آن را تهدید می‌کند. عده‌ای دیگر آهنگ رشد ضعیف کشاورزی در مقابل صنعت مونتاژ را بیان می‌کنند و عده‌ای از مردم مشکل اصلی را اتکای کاذب به ذخایر نفتی می‌دانند و معتقدند که با وجود تحصیل درآمد سرشار نفت هنوز نتوانسته‌ایم چشمه‌ی تولیدات کشاورزی را در کشورمان به‌خوبی شکوفا کنیم. (باغستانی، ۱۳۵۷) اما در این میان عده‌ای دیگر نیز مسائل و مشکلات کمبود تولید کشاورزی را متأثر از سطح پایین فرهنگ روستایی، بومی نبودن ماشین‌آلات کشاورزی و گرانی و بی‌اطلاعی از نحوه عملکرد ابزارآلات کشاورزی و همچنین بعد مسافت و نقص جاده‌های فرعی مزارع و غیره ذکر می‌کنند که باعث می‌شود نتوانند حداکثر تولید را در واحد سطح داشته باشند. (باغستانی، ۱۳۵۷). بنابراین افزایش بهره‌وری فعالیت کشاورزی به‌عنوان یک مهم حتی در ایجاد بسترهای توسعه کارآفرینی نیز تأثیرگذار است درحالی که کشاورزی ایران در سال‌های اخیر با چالش‌ها و موانع زیادی روبه‌روست که نیازمند دگرگونی ساختاری و فرایندها و روش‌های جدید و نوآورانه است که اولین گام این فرایند همان شناسایی و دسته‌بندی مسائل و مشکلات است که در حکم کانون و سرچشمه‌های شناسایی فرصت محسوب می‌شوند. (بارینگر و همکاران، ۲۰۰۶). در این ارتباط شهرستان دلفان از استان لرستان علی‌رغم وجود

است در همین ارتباط جامعه روستایی شهرستان دلفان هدف مطالعه جهت شناسایی دقیق عوامل، مسائل و پیامدهای کاهش بهره‌وری در فعالیت کشاورزی قرار گرفته است که با روش‌شناسی کیفی و مبتنی بر مصاحبه در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است.

-جامعه محلی چه فهمی از چالش‌های متأثر از ضعف/ نبود بهره‌وری بخش کشاورزی دارند؟
-از نگاه جامعه محلی چه عواملی در کاهش بهره‌وری بخش کشاورزی مؤثرند؟ آن‌ها چه تفسیری از این عوامل دارند؟
-از نگاه جامعه محلی در صورت تداوم پایین بودن بهره‌وری بخش کشاورزی، روستاها با چه پیامدهایی روبه‌رو می‌شوند؟

محدوده مورد مطالعه

قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه

شهرستان دلفان در شمال غربی استان لرستان، جنوب غربی استان همدان و در جنوب شرقی استان کرمانشاه با ۲۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت، و حدود ۱۸۷۷ متر ارتفاع از سطح دریا، واقع شده است. و در دل سلسله جبال زاگرس قرار گرفته که دو رشته کوه گرین از سمت شمال و شمال غربی و سفیدکوه از سمت جنوب و جنوب غربی آن را مانند حصاری در بر گرفته‌اند (شکل ۱). این شهرستان به علت قرار گرفتن در ارتفاع بالا سردسیر و دارای میانگین بارندگی ۵۲۹ میلی‌متر و تعداد روزهای یخبندان سالانه به‌طور متوسط ۱۰۴ روز است.

چالش‌های کلی و کلان که در ارتباط با فعالیت کشاورزی ذکر شد به لحاظ شرایط و وضعیت محلی نیز دارای مشکلات دیگری است که ممکن است ریشه در عوامل انسانی، فرهنگی-اجتماعی و یا طبیعی محلی این منطقه داشته باشد که آن را نیازمند توجه دوچندان می‌کند چرا که این نقطه از کشور با وجود اشتغال اکثریت مردم به فعالیت کشاورزی در مقایسه با بسیاری از نقاط دیگر، وضعیت بدتری در زمینه بهره‌وری و میزان درآمد حاصل از این فعالیت دارند به نحوی که در بسیاری از موارد میزان درآمدی که یک کشاورز از فعالیت خود به دست می‌آورد حتی کمتر از میزان هزینه‌هایی است که صرف انجام این فعالیت می‌کند و یا اینکه ممکن است سود و هزینه با هم برابر شود که تداوم این وضعیت کشاورزان را به خروج از فعالیت کشاورزی و سکونتگاه‌های روستایی را نیز در معرض ناپایداری قرار می‌دهد بنابراین مجموع مسائل یاد شده این پژوهش را به این سو سوق می‌دهد که با ریشه‌یابی عمیق و مبتنی بر تجربه کشاورز در این منطقه به شناسایی عوامل و مسائل کاهش بهره‌وری فعالیت کشاورزی بپردازیم چرا که بهره‌وری به‌عنوان یک عامل اصلی ایجاد کننده انگیزه در تداوم یک فعالیت است که شرایط کنونی بخش کشاورزی می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات و پیامدهای ناگوار اقتصادی و اجتماعی عدیده‌ای شود که نیازمند چاره‌جویی و ایجاد فرصت‌هایی کارآفرینانه در این زمینه است. لذا از آنجایی که دستیابی به فرصت‌های مناسب کارآفرینی در هر مسئله‌ای درگرو شناسایی درست نیازمندی‌های آن مسئله

مواد و روش‌ها**روش‌گرند تئوری**

این پژوهش در چارچوب پارادایم تفسیری از روش‌شناسی کیفی است که یافته‌های حاصل از آن از طریق روش‌های آماری یا سایر ابزارهای کمی سازی به دست نمی‌آید (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸) بلکه یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهش‌گران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند. بنابراین در گردآوری داده‌های لازم از روش‌های مشاهده‌ی مشارکتی و مصاحبه استفاده شد که اطلاعات مشاهده‌ای توسط محقق گردآوری شد و اطلاعات مصاحبه‌ای نیز از ۷۱ نفر از کشاورزان روستایی که اکثریت آن‌ها دارای سطح سواد پایین، سن بالا و مرد بودند از روستاهای (که‌ریز وروشت، روستای سراب قمش، روستای سفید خانی، روستای چم کریم، روستای تنگ پری، روستای چم مختار، روستای امامزاده ابراهیم) در بخش کاکاوند شهرستان دلفان و هم‌چنین ۱۵ نفر از خبرگان محلی شامل (مدیران ادارات مربوطه، کارکنان بخش‌های مربوطه، شوراهای اسلامی و دهیاران) در منطقه مورد مطالعه، گردآوری گردید. برای تعیین افراد مورد مصاحبه، از روش نمونه‌گیری کیفی-هدفمند و برای تعیین تعداد مصاحبه‌شوندگان از منطق اشباع نظری در نمونه‌گیری نظری استفاده شد. به این ترتیب که مصاحبه‌های متعدد انجام شدند تا جایی که فضای مفهومی سؤال‌های تحقیق اشباع شدند و پاسخ‌های افراد تکراری و مشابه به نظر رسیدند. بعد از گردآوری داده‌ها، عملیات طبقه‌بندی و منظم سازی آن‌ها انجام شد. سپس در قالب فرآیند کدگذاری باز، کدگذاری محوری و

کدگذاری گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

الف) مرحله کدبندی باز: در دو مرحله‌ی کدبندی اولیه و کدبندی ثانویه یا متمرکز صورت می‌گیرد. الف) مرحله اولیه: در مرحله اولیه اطلاعات به‌صورت سطر به سطر یا عبارت یا پاراگراف به نگارش در می‌آیند که هرکدام می‌توانند یک کد یا مفهوم با حداکثر فضای مفهومی باشد.

ب) مرحله ثانویه: در این مرحله با مقایسه کردن کدها با هم کدهای متشابه و متداخل تحت عنوان واحدهای معنایی یکسان شناسایی و سپس واحدهای معنایی به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش پیدا کردند بدین معنی که هر مقوله دارای تعدادی واحدهای هم‌معنا شد.

ب) مرحله کدگذاری محوری: در مرحله دوم که به کدبندی یا کدگذاری محوری مرسوم است مقوله‌ها در سه دسته عوامل، چالش‌ها و پیامدها که سؤالات اصلی پژوهش بودند دسته‌بندی و تفسیر شدند.

ج) در مرحله کدبندی گزینشی: در این مرحله اصطلاح‌های نظری عمده که برگرفته از مراحل پیشین بود به دست آمد و اطلاعات نامناسب حذف گردید و مقوله‌های نظری اشباع شده به صورت منطقی در کنار یکدیگر چیده شدند.

و نهایتاً با استخراج عناصر و مقوله‌های اصلی پژوهش و فهم ارتباط و نظم بین آن‌ها به ترسیم مدل مدنظر پژوهش رسیدیم که مبتنی بر مشاهدات میدانی است. جهت اعتبار دهی به یافته‌های پژوهش و سنجش روایی و پایایی آن نیز نتایج توسط روش تکثرگرایی داده‌ها و بازخورد به مشارکت‌کنندگان مورد تأیید قرار گرفت.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

الگوهای توسعه کشاورزی: توسعه کشاورزی و ارتقاء بهره‌وری آن همواره موضوع مورد توجه دانشمندان

فراهم‌سازی دسترسی کشاورزان کشورهای فقیر به نهاده‌های پربازده است. به این ترتیب، مدل نهاده‌های پربازده مطرح شد. با توجه به کاستی‌های پنج مدل قبلی، مدل ششم را تحت عنوان مدل نوآوری القایی مطرح شد این مدل، تغییر فنی را به‌عنوان عامل درون‌زا برای فرایند توسعه در نظر گرفته است. نه به‌عنوان عامل برون‌زا و مستقل از آن. در این مدل عقیده بر آن است که پیشرفت در فناوری کشاورزی، نمی‌تواند به دست نامرئی سپرده شود. تولید دانش نوینی که منجر به تغییر فنی شود، نتیجه فرآیند توسعه نهادی است. ایجاد مؤسسات تحقیقات کشاورزی دولتی، یکی از نوآوری‌های نهادی بزرگ قرن نوزدهم بوده است. چهار مدل از این شش مدل، یعنی مدل‌های بهره‌برداری از منابع، حفاظت، نهاده‌های پربازده و نشر، به‌طور مستقیم در پی افزایش بازده کشاورزی هستند. روش‌های مطرح در هریک از این چهار مدل برای تحقق رشد تولید، به ترتیب شامل افزایش سطح زیر کشت (در مدل بهره‌برداری از منابع)، کشت متراکم محصولات (در مدل محافظت) و افزایش عملکرد (در مدل‌های نهاده‌های پربازده و نشر) است. (زرمنی، ۲۰۰۵) هرچند هدف غایی دو مدل شهری - صنعتی و نوآوری القایی نیز رشد کشاورزی از طریق تولید محصول است.

پیشینه پژوهش

-حجی پور و همکارانش در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی تحت عنوان واکاوی عوامل اثرگذار بر دگرش نظام‌های بهره‌برداری زراعی با تأکید بر شرکت‌های سهامی زراعی، به بررسی نظام بهره‌برداری خرده مالکی و راندمان پایین تولیدی آن به‌عنوان نظام بهره‌برداری غالب اشاره می‌کنند و با توجه به روند رو به رشد جمعیت ضرورت تغییر در این نظام بهره‌برداری را اجتناب‌ناپذیر

و صاحب نظران علوم مختلفی بوده است که در این راستا شش مدل شامل: مدل‌های بهره‌برداری از منابع مرزی، حفاظت، اثر شهری - صنعتی (مدل موقعیت و محل)، مدل نشر، مدل نهاده‌های پربازده و مدل نوآوری القایی قابل ذکر است که در زیر به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم. (زرمنی، ۲۰۰۵).

مدل بهره‌برداری از منابع: این مدل متناظر با افزایش اراضی تحت کشت کشاورزی است. مدل حفاظت، در پی پیشرفت‌های تولید محصولات زراعی و دامی پدیدار شد. این پیشرفت‌ها، با انقلاب کشاورزی در انگلستان و پدیداری دغدغه‌های جدی در مورد تخلیه عناصر خاک از سوی دانشمندان آلمانی به وجود آمد. مدل اثر شهری - صنعتی (مدل موقعیت)، در ابتدا توسط فون تانن به‌منظور تبیین تفاوت‌های جغرافیایی از نظر نظام‌های کشاورزی و بهره‌وری نیروی کار در یک جامعه در حال صنعتی شدن تدوین گردید. این مدل سپس توسط شولتز به‌منظور تبیین عملکرد مؤثرتر بازارهای عوامل تولید و محصول که بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی را در مناطق با توسعه بالای شهری - صنعتی به هم پیوند می‌دهند تکامل یافت. (زرمنی، ۲۰۰۵؛ هایم و راتن، ۱۹۷۲). مدل‌های بعدی توسعه کشاورزی، مدل نشر است. در این مدل اعتقاد بر آن است که نشر روش‌های مؤثر دامداری و ارقام مطلوب‌تر محصولات، منبع مهمی برای رشد بهره‌وری حتی در جوامع پیشامدرن خواهد بود. عدم اثربخشی کافی سیاست‌های مبتنی بر مدل‌های حفاظت، اثر شهری - صنعتی و نشر در دهه ۱۹۶۰، منجر به پدیداری چشم‌انداز جدیدی شد. مبنی بر اینکه عامل کلیدی در گذار از کشاورزی سنتی به پیشرفته به‌عنوان منبع جدیدی از رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری برای

کارآفرینی را به‌عنوان مهم‌ترین راه‌حل برای رسیدن به توسعه روستایی و کشاورزی معرفی می‌کنند و با اذعان به اینکه بیشتر مسائل و مشکلات بخش کشاورزی به‌صورت مانعی جهت کارآفرینی در این بخش عمل می‌کنند به بررسی موانع و چالش‌های این بخش پرداخته و آن‌ها را در چند محور که شامل موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، موانع اقتصادی و موانع فرهنگی، موانع پشتیبانی و حمایتی، موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی و موانع زیرساختی است بررسی نموده و در این راستا راهکارهایی با عنوان اصلاح قوانین و سیاست‌های دولت، آموزش و ترویج کارآفرینی، اعطای حمایت‌های مالی، فراهم نمودن حمایت‌های غیرمادی جهت رشد و توسعه کارآفرینی در کشاورزی ارائه می‌کنند. (احسانی فر و همکاران، ۱۳۹۵).

بنابراین جزئی نگری و ضعف نگاه یکپارچه به مسئله بهره‌وری کشاورزی در پژوهش‌های قبلی، گروه تحقیق را بر آن داشت تا با یکپارچه نگری در چارچوب روش‌شناسی کیفی به شناسایی عوامل مؤثر از دیدگاه دو گروه متفاوت از جامعه‌ی هدف (مسئولان و کشاورزان) بپردازد. هم‌چنین، گروه تحقیق بر این عقیده است که در تحقیقات گذشته به نگاه دو گروه هدف یعنی دیدگاه مسئولان و کشاورزان به‌طور توأمان توجه نشده است.

نتایج

تحلیل یافته‌های پژوهش

الف) استخراج داده‌های معنایی (کدگذاری باز) فعالیت کشاورزی رکن اصلی اقتصاد مناطق روستایی مورد مطالعه است که عوامل و شرایط گوناگون محیطی، انسانی و سیاسی همواره در این فعالیت تأثیرگذارند که سبب پیچیدگی

می‌دانند و برای دستیابی به این هدف راهکار بسط و گسترش نظام‌های زراعی جدید ازجمله شرکت‌های سهامی زراعی را که در کشور روندی رو به احیاء دارند را مورد توجه قرار می‌دهند و براساس یافته‌های پژوهش بیان می‌کنند که عواملی چون آینده‌نگری، مشارکت‌پذیری و جمع‌گرایی و امید به آینده بیشترین اثر مثبت را در تشکیل شرکت سهامی زراعی دارند و مؤلفه‌های کلی الگوی اثرگذاری بر پذیرش و تشکیل شرکت سهامی زراعی را پتانسیل اجتماعی، وضعیت اقتصادی تولید و توسعه و شاخص‌های فرهنگی ذکر کردند. (حجی پور و همکاران، ۱۳۹۳).

عزیزی خالخیلی و همکارانش نیز در پژوهشی در سال ۱۳۹۵ به بررسی سازگاری کشاورزان با نوسانات اقلیمی: مشکلات و موانع و راهکارهای پیش‌نهادی در این رابطه می‌پردازند و بیان می‌کنند که با توجه به تأثیرات منفی تغییرات اقلیمی در بخش کشاورزی ایران چگونه می‌توان سازگاری کشاورزان با این تغییر را بالا ببرند برای این کار مطالعه خود را در سه فاز مطالعه کیفی و مصاحبه، پیمایشی و پرسش‌نامه‌ای و گفتگو با خبرگان محلی به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده انجام می‌دهند و در فاز نخست به شناسایی هشت مشکل و در فاز دوم به اولویت‌بندی موانع و مشکلات در دو بعد فردی و نهادی و در فاز سوم بر اساس نظرات کارشناسان جهاد کشاورزی به راهکارهای بهبود و سازگاری در سه بعد اطلاع‌رسانی، مدیریت مزرعه و اداری و مالی دست می‌یابند. (عزیزی خالخیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

و احسانی‌فر و همکارانش در پژوهشی در سال ۱۳۹۵ به بررسی موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی پرداخته و

قیمت مناسبی برخوردار بوده است را در سال بعد کاشت می‌کند غافل از اینکه این‌گونه برنامه‌ریزی جوابگوی پیچیدگی‌های بازار محصول نیست و موفق عمل نمی‌کند. «جمله‌ای که بارها و بارها از زبان روستاییان تکرار می‌شود این است که کاش این مقدار محصول را سال پیش داشتم این جمله ناشی از ناکامی و ناتوانی کشاورز در انتخاب درست و کاشت نوع محصول زراعی مناسب و سطحی‌نگری به پیچیدگی‌های بازار است که نیازمند برنامه‌ی حمایتی دقیق، سازمان‌دهی شده برای انتخاب نوع محصول، نحوه‌ی کاشت و ... است.»

-عدم مدیریت مناسب بهره‌وری آب در منطقه: آب یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در بهره‌وری بخش کشاورزی است که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست بالأخص در کشور ایران که کمبود آب به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تنگنای توسعه کشاورزی به شمار می‌رود که نبود مدیریت مناسب مهار آن در منطقه مورد مطالعه، نه تنها باعث عدم بهره‌مندی از این نعمت طبیعی بلکه زمینه‌ساز مشکلات چندی نیز شده است از جمله این مشکلات مربوط به زمین‌های آبی است این اراضی چون تنها از طریق آب‌های سطحی و به روش سنتی امکان آبیاری دارند بنابراین فقط در اطراف رودخانه‌ها قرار دارند لذا در سال‌های پربارش به علت طغیان رودخانه و مهار نشدن آب حوزه‌های آبریز بالادست، تخریب و از جا کنده می‌شوند و مشکل دیگر در این زمینه نفوذپذیری خاک است که به علت سیمانی نبودن نهرها و جذب بالای آب در زمین، مقدار آب سطحی موجود در تابستان از دسترس کشاورزان خارج و در زمین نفوذ می‌کند.

-ضریب پایین رشد مکانیزاسیون کشاورزی: یکی از عوامل پایین بودن بهره‌وری در منطقه مورد مطالعه

تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه آن می‌شوند. بنابراین عوامل و فاکتورهای زیادی در میزان بهره‌وری فعالیت کشاورزی مؤثر هستند که این عوامل از دید کشاورزان و کارشناسان در جدول ۱ ذکر شده است.

ب) استخراج مقوله‌ها و مضامین اصلی (کدگذاری محوری) (جدول ۲).

تفسیر عوامل و یافته‌های پژوهش

-ساختار نامناسب اراضی زراعی: اندازه زمین‌های زراعی یکی از عوامل کاهش بهره‌وری کشاورزی در منطقه مورد مطالعه است چرا که عدم یکپارچگی مزارع و خرد بودن قطعات زمین‌های زراعی باعث کاهش رشد مکانیزاسیون و افزایش هزینه نهاده‌های کشاورزی شده است. و همچنین این عامل زمینه‌ساز مشکلات دیگری نیز شده است که از جمله آن‌ها بحث امنیت است. به این دلیل که بیشتر کشاورزان منطقه خرده‌مالک هستند معمولاً مقدار زمین‌های زراعی آن‌ها که مساحت ناچیزی است در قطعاتی کوچک و پراکنده از هم قرار گرفته‌اند بنابراین نگهداری و مراقبت از چندین قطعه زمین پراکنده و دورافتاده از توان خانوار کشاورز خارج است و در بسیاری از موارد محصول باغی و زراعی کشاورز دستخوش آسیب‌هایی چون غارت، چرای دام و..... قرار می‌گیرد. بنابراین این مسئله علاوه بر اتلاف زمان و کاهش بهره‌وری نیروی انسانی کشاورزی به عدم تمایل کشاورز به کاشته‌های با ارزش نیز منجر می‌شود.

-ضعف نیروی کار کشاورزی: یکی از عوامل مهم در کاهش سطح بهره‌وری در منطقه مورد مطالعه بی‌اطلاعی و کم‌سوادی کشاورزان منطقه است به‌عنوان نمونه به دلیل اینکه اکثریت کشاورزان افرادی کم‌توان، فاقد سواد و دانش کافی هستند لذا کشت کشاورز معمولاً تابع کشت سال قبل است یعنی کشاورز محصولی را که سال پیش از

علت دسترسی نداشتن به سیلو، ترجیح می‌دهد که محصول زراعی خود را به قیمتی پایین به فروش برساند و از آنجایی که شهرستان زیرساخت‌های انبار برنامه‌ریزی شده لازم برای نگهداری محصول را ندارد. تحویل محصول توسط کشاورز به سیلو در فاصله زیاد، صرف هزینه‌های بالای حمل‌ونقل، نبود نیروی انسانی جهت حمل و جابجایی بار، دسترسی محدود کشاورز به ماشین‌آلات حمل بار، و همچنین بروکراسی اداری موجود در این مسیر به سهولت صورت نمی‌گیرد.

عدم تعیین مالکیت زمین‌ها: زمین‌های زراعی زیادی در منطقه مورد مطالعه هنوز تقسیم‌بندی قطعی نشده‌اند و مالکیت دائمی آن‌ها مشخص نیست و به‌طور مرحله‌ای کشت می‌گردد همین عامل یک عامل اساسی است که سبب کاهش انگیزه کشاورز در بهبود ساختار زمین می‌گردد (شکل ۳).

نتیجه‌گیری

افزایش بهره‌وری فعالیت کشاورزی، بسترهای توسعه و تحول روستایی را فراهم می‌کند. اما کشاورزی ایران در سال‌های اخیر با چالش‌ها و موانع زیادی روبه‌روست که سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متخصصان معتقدند که یک دگرگونی ساختاری در شیوه‌های کنونی تولید کشاورزی لازم است تا بتواند فراهم‌کننده بستر مناسب برای کارآفرینی، نوآوری و تحول باشد. قطعاً اولین گام در راستای کمک به تحقق این مهم نیز همانا، شناسایی عوامل، موانع و چالش‌های این مسیر است که این پژوهش نیز با این هدف صورت پذیرفت. بنابراین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مشکلات بهره‌وری فعالیت کشاورزی در منطقه مورد مطالعه ریشه در عوامل چندی از قبیل ضعف ساختار اراضی زراعی منطقه دارد که در این زمینه با پژوهش ترکمانی و حاجی رحیمی هم سو

ضریب پایین رشد مکانیزاسیون است که در این زمینه نبود ماشین‌آلاتی چون کمباین عامل مهمی در کاهش بهره‌وری نیروی کار است چرا که برداشت محصول از طریق کمباین در مقایسه با برداشت محصول با روش دستی علی‌رغم صرفه‌جویی در زمان و تسریع فعالیت کشاورزی به لحاظ هزینه نیز بسیار به‌صرفه‌تر است. در صورتی که روستاهای این منطقه به دلیل ساختار نامناسب زمین‌های کشاورزی قادر به استفاده زیاد از تجهیزات موجود هم نیستند.

عدم انطباق پروسه‌ی خرید تضمینی محصول با توانایی‌های کشاورزان: یکی از موارد کاهش بهره‌وری فعالیت کشاورزی مربوط به فروش و بازاریابی آن است و خرید تضمینی محصول هم به دلایل مختلف که ذکر خواهد شد نتوانسته است مثمر ثمر باشد. یکی از مسائل بحث خرید تضمینی محصول در منطقه مورد مطالعه، مربوط به شرایط طبیعی منطقه است از آنجایی که این محدوده دارای آب و هوایی سرد است و در منطقه‌ای سردسیری قرار دارد بنابراین برداشت محصول زراعی آن نیز متعاقباً نسبت به بسیاری از مناطق دیگر ایران، دیرتر انجام می‌شود و همین امر سبب می‌شود که امکانات و تسهیلات محدودی هم که در ارتباط با خرید تضمینی محصول تدارک دیده می‌شود عملاً تا زمانی که محصول این شهرستان حاصل می‌شود به اتمام برسد و این شهرستان همیشه جزء فهرست‌های آخر و محروم قرار دارد. بنابراین با توجه به اینکه این شهرستان از جمعیت روستایی و کشاورز قابل‌توجهی برخوردار است لذا نیازمند داشتن مدیریتی قوی است که بتواند سهمی از این تسهیلات و اعتبارات را قبل از موعد تحویل محصول از محل اخذ اعتبار دریافت نماید. مسئله دیگر نیز در این ارتباط این است که کشاورز به

نیست بالأخص در کشور ایران که کمبود آب به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تنگنای توسعه کشاورزی به‌شمار می‌رود و این عامل نیز در پژوهش حاضر به‌عنوان یک عامل اساسی قابل ذکر است. نهایتاً اینکه، حیات و بقای بسیاری از روستاها که در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای رو به رو هستند نیازمند فرایندها و روش‌های جدید و نوآورانه در بهره‌وری فعالیت اصلی منطقه (کشاورزی) است. مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با تحقیقات انجام شده؛ نشان می‌دهد که عوامل مؤثر (مقوله‌های اصلی مستخرج شده) از این پژوهش در اکثر پژوهش‌های کمی در ارتباط با بحث بهره‌وری اعتبار علمی داشته و مورد تأیید قرار گرفته است، از جمله:

-عوامل و متغیرهای مخارج عمرانی دولت و ضریب مکانیزاسیون در پژوهش شهبازی و علیزاده (۱۳۹۷) مورد تأیید قرار گرفته است.

-هم‌چنین مقوله سرمایه فیزیکی و سرمایه اجتماعی در پژوهش عمرانی و فرج زاده (۱۳۹۴) مورد تأیید قرار گرفته است.

-تأثیر متغیر فنی و تکنولوژیکی در پژوهش شیرانی بیدآبادی و همکاران (۱۳۹۴) مورد تأیید بوده است.

- تأیید سیاست‌های حمایتی دولت بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش کشاورزی که توسط نارویی و مهرابی نشرآبادی (۱۳۹۳) انجام گرفته است.

می‌باشد که در سال ۱۳۷۷ با مطالعه‌ای که انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که بین بهره‌وری و متغیرهای اندازه مزرعه، تعداد قطعات زمین، هزینه ماشین‌آلات و نیروی کار که مورد بررسی قرار گرفتند رابطه‌ی مستقیم و مثبت وجود دارد یعنی با افزایش اندازه مزرعه، بهره‌وری افزایش یافته است. مقوله دیگری که از این پژوهش حاصل شد ارتباط بین تحصیل نیروی انسانی و بهره‌وری در کشاورزی بود که در این زمینه نیز با پژوهش برادران راد که در آن به نقش سرمایه انسانی به‌عنوان عوامل مؤثر در رشد بخش کشاورزی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که بهره‌وری نهایی نیروی کار شاغل بی‌سواد منفی بوده و یا به عبارت دیگر نیروی کار بی‌سواد در منطقه غیراقتصادی ارزیابی شده است بدین معنی که افزایش نیروی کار بی‌سواد نه تنها موجب افزایش تولید نشده بلکه کاهش تولید را به دنبال خواهد داشت. عامل مهم دیگری که از این پژوهش حاصل شد نقش مکانیزاسیون در بهره‌وری بود که در این زمینه نیز پژوهش زارع مهرجردی و همکارانش همسو با این نتیجه‌ی پژوهش است که نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که ضریب مکانیزاسیون و تسهیلات اعتباری، آموزشی و ترویجی بخش کشاورزی اثرات مثبتی بر رشد بهره‌وری داشته است. عامل اصلی دیگری که از این پژوهش استخراج شد نقش آب در بهره‌وری بود که یکی از مهم‌ترین عوامل در بهره‌وری بخش کشاورزی است که اهمیت آن بر کسی پوشیده

جدول ۱: استخراج واحدهای معنایی کاهش بهره‌وری فعالیت کشاورزی در شهرستان دلفان براساس نظرات افراد مورد مصاحبه و مشاهده مشارکتی محقق.

شواهد بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان	واحدهای معنایی
<ul style="list-style-type: none"> - خشک‌سالی - سرمازدگی شدید (سال زراعی ۹۳-۹۴) 	وقوع مخاطرات طبیعی
<ul style="list-style-type: none"> - عدم دسترسی مناسب کشاورزان به سیلوهای تحویل محصول - هزینه‌های بالای حمل‌ونقل به سیلوهای دورتر - کمبود ماشین‌آلات مناسب حمل بار - نبود آزمایشگاه قابلیت سنجی خاک 	عدم دسترسی به انبار و تجهیزات لازم
<ul style="list-style-type: none"> - امنیت بسیار پایین راه‌های فرعی مزارع، - هزینه‌های بالای حمل‌ونقل - کنده شدن راه‌های فرعی مزارع در اثر بارش‌های زمستانی و بهاری - دسترسی مشکل به زمین‌های کوهستانی 	مشکل زیرساختی راه‌های مزروعی
<ul style="list-style-type: none"> - نسیه بودن خرید تضمینی محصول، ناتوانی مالی و نیاز مبرم کشاورز به پول نقد - سلف فروشی - سردسیر بودن منطقه و برداشت دیرهنگام محصول و اتمام زود هنگام اعتبارات خرید تضمینی - نبود مدیریت قوی در دریافت تسهیلات و اعتبارات خرید تضمینی قبل از تحویل محصول - بروکراسی اداری خرید تضمینی محصول و رغبت پایین کشاورز بی‌سواد به این نحوه فروش 	عدم انطباق پروسه‌ی خرید تضمینی با انتظارات و توانایی‌های کشاورزان
<ul style="list-style-type: none"> - سطح پایین سواد کشاورزان - ساده‌اندیشی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کاشت و بازار محصولات - عدم آگاهی از اصل تناوب در کاشت محصول 	اکتفای صرف به دانش تجربی و بومی در ارتباط با فعالیت کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> - بالا بودن سن اکثریت کشاورزان منطقه - توان جسمانی پایین کشاورزان 	کمبود نیروی فعال کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> - عدم همراهی و همکاری جوانان در فعالیتهای کشاورزی به علت بهره‌وری پایین - مهاجرت جوانان از روستا و اشتغال به مشاغل دیگر در شهرهای دیگر بخصوص تهران 	جوان گرا نبودن فعالیت کشاورزی در منطقه
<ul style="list-style-type: none"> - تبعیت کشت از کاشت سال قبلی (کاشت نوع محصول مبتنی بر قیمت سال قبل)، آگاهی نداشتن از پیچیدگی‌های بازار محصول 	شناخت سطحی کشاورزان از پیچیدگی بازار
<ul style="list-style-type: none"> - سنتی بودن نحوه کاشت و داشت و برداشت - کشت گندم و جو و نخود از سالیان گذشته - عادت به کاشت محصول خاصی - عدم تنوع کاشت 	وابستگی به الگوهای سنتی به تبعیت از کشاورزی موروثی

ادامه جدول ۱

سیاست‌های نامناسب تقسیم اراضی	- کوچک و پراکنده بودن قطعات، - عدم یکپارچگی زمین‌ها
پرهیز از کشت‌های بارز در زمین‌های پراکنده و دورافتاده	- نامنی باغ‌ها و عدم ریسک به کشت‌های بارز - نگهداری و مراقبت سخت از قطعات پراکنده و دورافتاده - دستخوش چرای دام قرار گرفتن قطعات دورافتاده - عدم تشویق به کاشت محصولات جدید
تکنولوژی پایین	- عملیات برداشت محصول با نیروی دستی در بسیاری از روستاها - عدم امکان استفاده از ماشین‌آلات مدرن (کمباین) به دلیل کوهستانی بودن زمین‌ها در بسیاری از روستاها - نقص و شکستگی زیاد قطعات ماشین‌آلات کشاورزی به هنگام فعالیت کشاورزی
پیچیدگی‌های مالکیت اراضی	- عدم تعیین مالکیت قطعی زمین و بی‌انگیزگی در بهبود ساختار زمین‌های زراعی - مالکیت مشاعی تعداد زیادی از زمین‌ها - تغییر سالانه یا چند سال یک‌بار در مالکیت بسیاری از قطعات زمین زراعی
هدر رفت آب‌های سطحی	- هدر رفت کامل بارش‌ها در فصل زمستان - نفوذ آب نهرها در زیرزمین در فصل تابستان - سیمانی نبودن کانال‌های مزارع آبی
عدم استحصال آب‌های زیرزمینی	- خشک و مسدود شدن قنات‌های قدیمی - نبود چاه‌های کشاورزی
موقعیت طبیعی نامناسب منطقه	- کوهستانی بودن منطقه، - شیب زیاد زمین‌ها - دیم بودن زمین‌های زراعی و کمبود بارش‌ها
عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی	- عدم مشارکت و همکاری بین مردم و سازمان‌های مربوطه - عدم همکاری روستاییان در لایروبی رودخانه‌ها - بی‌اعتمادی به یکدیگر - عدم تشکیل گروه‌های مختلف برای حل مشکلات فعالیت - عدم هماهنگی و روحیه گروه‌گرایی در بین آن‌ها
عدم دسترسی به نهاده‌های مناسب	- پایین بودن کیفیت بذرها، نداشتن بذر مرغوب، نبود قدرت مالی کافی در استفاده از کود و سم‌های مناسب - قیمت بالای نهاده‌های کشاورزی
نبود تنوع اقتصادی در منطقه	- عدم تنوع فعالیت اقتصادی در منطقه - وابستگی صرف به فعالیت کشاورزی و دامداری - نداشتن شغل و منبع درآمد دیگر
موازی کاری دستگاه‌ها	- بخشی بودن برنامه‌ها و اهداف سازمان‌ها - نبودن هماهنگی و همکاری بین سازمانی - عملکرد پایین دستگاه‌ها بر اثر تلاقی نقش
تداخل نقش بعضی از سازمان‌های مربوطه	- نامشخص بودن اهداف سازمانی - تضاد و تناقض نقش سازمان‌ها - عدم همکاری و هماهنگی پایین سازمان‌ها با یکدیگر از جمله منابع طبیعی و جهاد کشاورزی .

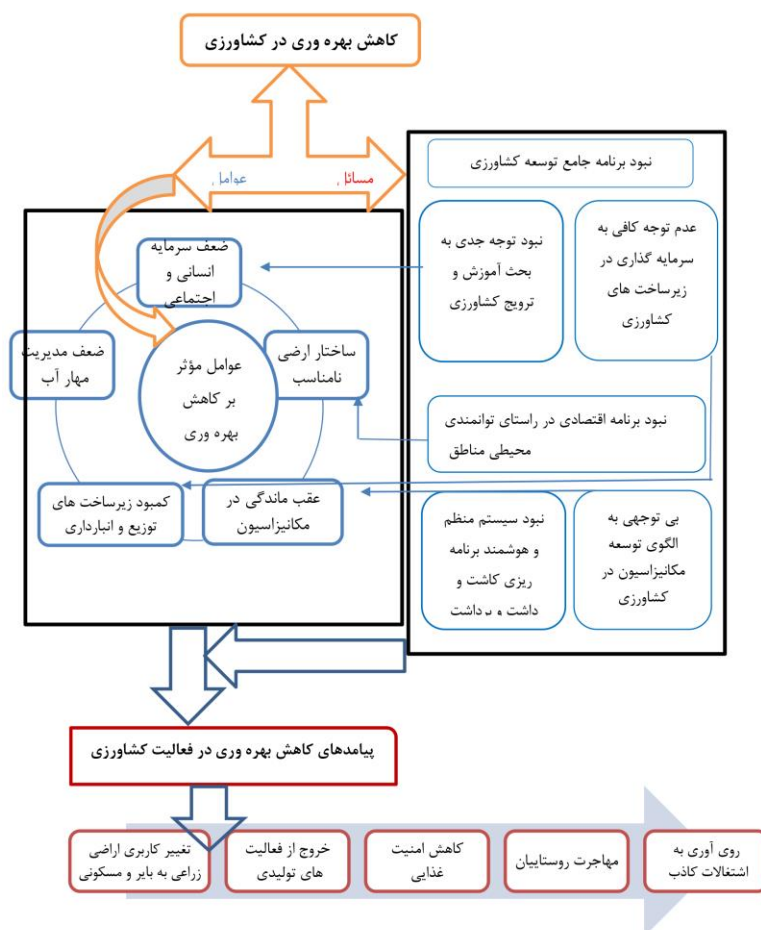
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲: استخراج مقوله‌های عمده (عوامل و مسائل کاهش بهره‌وری کشاورزی) براساس جدول نتایج واحدهای معنایی

ردیف	مقوله‌های عمده	واحدهای معنایی یکسان
۱	ساختار نامناسب ارضی	- موقعیت طبیعی نامساعد منطقه - پرهیز از کشت‌های بارز در زمین‌های پراکنده و دورافتاده
۲	نارسایی‌های نیروی کار کشاورزی	- اکتفای صرف به علم تجربی در کشاورزی - کمبود نیروی کشاورزی فعال - جوان‌گرا نبودن فعالیت کشاورزی در منطقه - شناخت سطحی از پیچیدگی بازار - وابستگی به الگوهای سنتی به تبعیت از کشاورزی موروثی - عدم وجود سرمایه اجتماعی
۳	عقب‌ماندگی در مکانیزاسیون	- تکنولوژی پایین - عدم دسترسی به نهاده‌های مناسب کشاورزی
۴	ضعف قوانین و عملکرد نامناسب آن	- پیچیدگی‌های مالکیت اراضی - سیاست‌های نامناسب تقسیم اراضی - موازی کاری دستگاه‌ها - تداخل نقش بعضی از سازمان‌های مربوطه
۵	کمبود زیرساخت‌های لازم	- نبود انبار و تجهیزات لازم - مشکل زیرساختی راه‌های مزروعی
۶	عدم مدیریت مناسب در استفاده و مهار آب	- هدررفت آب‌های سطحی و بارش‌ها - نبود هیچ‌گونه استحصال از آب‌های زیرزمینی
۷	شرایط طبیعی نامساعد	- وقوع مخاطرات طبیعی - موقعیت طبیعی نامناسب منطقه
۸	نداشتن برنامه جامع توسعه کشاورزی و رهاشدگی کشاورزان	- عدم انطباق پروسه‌ی خرید تضمینی با انتظارات و توانایی‌های کشاورزان - نبود تنوع اقتصادی در منطقه (نبود برنامه اقتصادی در راستای قابلیت مناطق) - عدم حمایت در توزیع نهاده‌های کشاورزی - عدم وجود سرمایه اجتماعی در فعالیت کشاورزی - نبود برنامه‌های قابلیت‌سنجی مناطق در انجام فعالیت‌های اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

عوامل	چالش‌ها و مسائل	پیامدها
<ul style="list-style-type: none"> * بی سوادی کشاورزان * کوهستانی بودن و محدودیت منابع خاک * عدم توجه به شیوه‌های مناسب مهار آب‌های سطحی * توان اقتصادی پایین کشاورزان * رواج الگوهای سنتی * نبود فنون و شیوه‌های جدید آبیاری و استحصال آب‌های زیرزمینی * نامناسب بودن راه‌های فرعی مزارع * نبود سیلو و انبار مناسب در شهرستان * نبود آزمایشگاه‌های تحقیقاتی ارزیابی و قابلیت سنجی خاک در شهرستان * مشخص نبودن قطعی 	<ul style="list-style-type: none"> * عدم برنامه مشخص * قابلیت سنجی مناطق در تولید محصولات کشاورزی * عدم حمایت دولت از تأمین نهاده‌های کشاورزی * عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انبار و توزیع * نبود توجه جدی به بحث آموزش و ترویج * نبود قوانین شفاف مالکیت اراضی زراعی * عدم توجه جدی به توسعه مکانیزاسیون در رشد کشاورزی * نداشتن برنامه و شیوه‌های مدیریتی مناسب در مهار و استفاده از آب‌های سطحی و بارش‌ها * نبود سیستم منظم و هوشمند کاشت و داشت و 	<ul style="list-style-type: none"> * متروک شدن زمین‌های صعب‌العبور * کاهش سطح اراضی زیرکشت * خروج از فعالیت‌های تولیدی * مهاجرت جوانان روستایی به شهرها * ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی * افزایش ناامنی غذایی * تغییر کاربری اراضی به بایر و مسکونی * روی آوردن به اشتغالات کاذب



شکل ۳: مدل تحلیلی کاهش بهره‌وری فعالیت کشاورزی در شهرستان دلفان

منابع

- کشاورزی، ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۲، شماره ۱، ۵۱-۶۲ ص.
- دانشنامه کارآفرینی، ۱۳۸۸. بنیاد دانشنامه نگاری ایران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۶۵۴ ص.
- زارع مهرجردی، م.، اسفندیاری، س.، سپهوند، ا. و نیک زاد، م.، ۱۳۹۶. بررسی تأثیر ضریب مکانیزاسیون بر بهره‌وری در بخش کشاورزی ایران، مجله تحقیقات و توسعه کشاورزی در ایران، دوره ۲، شماره ۱، ص ۹-۲۲.
- شهبازی، ک. و علیزاده، س.، ۱۳۹۷. تأثیر مخارج دولت بر بهره‌وری کل عوامل تولید بخش کشاورزی ایران، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، ص ۳۳-۴۸.
- شیرانی بیدآبادی، ف.، احمدی کلیجی، س. و امین روان، م.، ۱۳۹۴. بررسی بهره‌وری کل عوامل تولید محصول گندم در شمال کشور، فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۳۷-۱۵۵.
- عزیزی خالخیلی، ط.، زمانی، غ. و کرمی، ع.، ۱۳۹۵. بررسی سازگاری کشاورزان با نوسانات اقلیمی: مشکلات و موانع و راهکارهای پیش نهادی، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۳۰، شماره ۳، ص ۱۴۸-۱۵۹.
- عمرانی، م. و فرج زاده، ذ.، ۱۳۹۴. نقش انواع سرمایه در رشد بخش کشاورزی ایران، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۷، شماره ۲۸، ص ۱-۱۹.
- یزدانی، س.، محمدیان، ف.، طاهری ریکنده، ع. و کله‌ری، ص.، ۱۳۹۴. تبیین شاخص‌های پایداری و بهبود بهره‌وری منابع تولید در الگوی کشت ماهی دشت استان کرمانشاه (رهیافت برنامه‌ریزی کسری) اقتصاد کشاورزی، جلد ۱۰، شماره ۱، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- ابطحی، ح. و کاظمی، ب.، ۱۳۷۸. بهره‌وری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۲۱۸ ص.
- احسانی فر، ت.، رستمی، ف.، نادری، ن. و رضایی، ب.، ۱۳۹۵. موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، مجله کارآفرینی در کشاورزی، جلد دوم، شماره دوم، ص ۱-۱۶.
- استراوس، ا. و کوربین، ج.، ۱۳۹۰. مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، (ترجمه ابراهیم افشار)، تهران: نشر نی، ۲۷۹ ص.
- باغستانی، م.، ۱۳۵۷. مکانیزاسیون کشاورزی، دانشگاه تهران، ۵۱۱ ص.
- برادران راد، ر.، ۱۳۷۷. برآورد سهم نیروی کار متخصص در رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی ایران، پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، دوره ۴۸، شماره ۳۹، ۳۳۴ ص.
- ترکمانی، ج. و حاجی رحیمی، م.، ۱۳۷۷. رابطه اندازه مزرعه و بهره‌وری عوامل تولید (مطالعه موردی: زارعین استان فارس)، پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، دوره ۱۵، شماره ۱، ۳۳۴ ص.
- جعفری علی، م. و سلطانی، غ.، ۱۳۷۷. افزایش بهره‌وری آب در کشاورزی (مطالعه موردی استان همدان)، پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، شماره ۴۹، ۳۳۴ ص.
- حجی پور، م. و فال سلیمان، م.، ۱۳۹۳. واکاوی عوامل اثرگذار بر دگرش نظام‌های بهره‌برداري زراعی مطالعه موردی: شرکت‌های سهامی زراعی سهل‌آباد - نهبندان، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۰، ص ۳۹-۵۴.
- حیدرزاده، ا.، الماسی، م.، دهقانیان، س. و محمدرضایی، ر.، ۱۳۸۷. مجله علوم و صنایع

- Barringer, B. and Ireland, D., 2006. entrepreneurship: successfully launching new, venture, prentice Hall , 587 p.
- David, K., 2013. Entrepreneurship in farming, fao.org , 136 p.
- McGehee, N.G., 2007. An agritourism systems model: A weberian perspective, Journal of sustainable tourism, v. 15(2), p. 111-124.
- Szirmai, A. 2005. The dynamics of socio-economic development: an introduction.cambridge university press, 711 p.
- Yang, L., 2012. Impacts and challenges in agritourism development in Yunnan, China and Tourism Planning and development, v. 9 (4), p. 38-69.